



Decriminalization in Islamic criminal policy and Afghanistan laws

Abstract

In the contemporary world, there is a great trend towards decriminalization to provide the basis for citizens' participation with minimum intervention while reducing the inflation of laws. In this research, goals such as preventing the volume of criminal laws are suggested so that the legislator can move in this direction by decriminalizing some cases.

In the criminal policy of Islam and the laws of Afghanistan, decriminalization has defensible foundations; Because human beings have inherent dignity, and maintaining the dignity of individuals and respecting privacy is an obstacle to criminalization, on the other hand, the social needs of the age and time tend to reduce criminalization, and extensive criminalization cannot achieve the goals of criminal law. to ensure that justice is realized; In Islamic Sharia, crimes such as Hudud and Qisas, which are defined by Sharia, cannot and cannot be changed. However, in Ta'ziri punishments, according to the conditions, and circumstances, the hands of the Ruler of Sharia and the judge are extended, and decriminalization is possible in many cases that do not harm the society. In this research, a descriptive-analytical method has been used and specific results have been reached, which is the reduction of criminal laws. Because there are examples in the criminal laws of Afghanistan, the criminalization of which is not only not desirable, but also causes delays in proceedings, and on the other hand, extensive criminalization causes the population of places deprived of freedom to expand.

Keywords: Decriminalization, criminalization, human dignity, criminal policy, inflation of laws, Islam, Afghanistan.



جرم‌زدایی در سیاست جنایی اسلام و قوانین افغانستان

نوروز علی اعتمادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲ / ۶ / ۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲ / ۷ / ۱۲

چکیده

در دنیای معاصر، گرایش زیادی در راستای جرم‌زدایی وجود دارد تا با دخالت حد اقلی ضمن کاهش تورم قوانین، زمینه‌ی مشارکت شهروندان را فراهم نمایند. در این تحقیق اهدافی مانند جلوگیری از حجم قوانین کیفری پیشنهاد شده تا قانونگذار با جرم‌زدایی از برخی موارد به این سمت حرکت نماید.

در سیاست جنایی اسلام و قوانین افغانستان، جرم‌زدایی مبانی قابل دفاع دارد؛ زیرا انسان به حکم انسان بودن، دارای کرامت ذاتی است، و حفظ حرمت افراد و احترام حریم خصوصی مانع جرم‌انگاری بوده و از طرفی ضرورت‌های اجتماعی عصر و زمان، گرایش به کاهش جرم‌انگاری داشته و جرم‌انگاری وسیع نمی‌تواند اهداف حقوق جزا را که تحقق عدالت باشد، تأمین نماید؛ در شریعت اسلامی جرایمی مانند حدود و قصاص که از ناحیه شریعت بیان شده قابل تغییر نبوده و نیست. اما در مجازات‌های تعزیری با توجه به شرایط، اوضاع و احوال، دست حاکم شرع و قاضی مبسوط بوده و در بسیاری از عناوین که جامعه از آن متضرر نمی‌گردد، جرم‌زدایی ممکن است. در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و به نتایج خاص که کاهش قوانین کیفری است رسیده است. زیرا در قوانین کیفری افغانستان مصادیقی هست که جرم‌انگاری آن نه تنها مطلوب نیست، بلکه موجب اطاله دادرسی، و از طرفی جرم‌انگاری وسیع و گسترده سبب گسترش جمعیت مکان‌های سالب آزادی است.

واژگان کلیدی: جرم‌زدایی، جرم‌انگاری، کرامت انسانی، سیاست جنایی، تورم قوانین، اسلام، افغانستان.

هدف از جرم‌زدایی، کاهش تورم قوانین کیفری و محدود کردن مداخله دولت‌هاست، زیرا جرم‌انگاری وسیع، سبب افزایش میزان دخالت دولت و گسترش جمعیت اماکن سالب آزادی است. وضع و تدوین قوانین کیفری در جرم‌انگاری و اجرای مجازات، اصلاح و باز پروری مجرمین و بازگشت آنها به جامعه است. اما آمارهای جنایی، نشان داده است که پیشگیری از بزهکاری بدست نیامده و از طرفی وجود قوانین، تورم قوانین را بدنبال داشته است. لذا در سیاست جنایی، کشورها، به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست عدم مداخله یا محدود کردن دامنه شمول آن را در ابعاد مختلف جرم‌زدایی، در نظر بگیرند، و مشکلات نهاد دادگستری را به حد اقل رسانده تا به آزادی‌های اتباع کمتر خدشه‌ی وارد گردد.

جرم‌انگاری وسیع و گسترده سبب کاهش حاکمیت دولت‌ها گردیده و میزان مشارکت مردمی را در سطح پایین قرار می‌دهد؛ اکثر نظام‌های اقتدارگرا به مسأله جرم‌انگاری، توجه نموده و از این طریق سلطه و اقتدار خود را بر اتباع‌شان گسترش می‌دهند، افزایش انواع جرایم و عناوین مجرمانه، جمعیت زندانها و مکانهای سالب آزادی را زیاد نموده و لطمه‌ی به آزادی‌های افراد و عدالت اجتماعی وارد میکند و از طرفی جرم‌انگاری، سبب می‌گردد که افراد بزهکار تماس بیشتری با نظام عدالت کیفری داشته باشد.

جرم‌انگاری وسیع و گسترده علاوه بر اینکه برخلاف کرامت انسانی است هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را به بار می‌آورد، لازم است حکومت در مورد سلب آزادی افراد به حد اقل اکتفا نموده و نباید به بهانه تأمین منافع عمومی، آزادی‌های مشروع شهروندان را نقض یا سلب نمایند. و لذا یکی از راههای تضمین حقوق اتباع و شهروندان، جرم‌زدایی از اعمال افراد است. «کاهش توسل به کیفر سازی هنجارها با تأکید بر آزادی و کرامت انسانی و نقد ضمانت اجرای کیفری است» (صادقی، ۱۳۹۷، ۲۲) با توجه به مطالب یادشده، در این مقاله تلاش شده تا یکی از ابعاد سیاست محدود سازی حقوق کیفری (جرم‌زدایی) مورد بررسی قرار گیرد.

پیش از وارد شدن در مباحث اصلی لازم است که برخی واژه‌ها معنا گردد. شناخت مفاهیم در کاربرد حقوق‌دانان امری ضروری است تا معانی از معنای مدنظر از ابتدا مشخص باشد.

اصطلاح جرم‌زدایی مرکب از دو واژه جرم و زدایی است. جرم از نظر لغوی به معنای بزه، گناه و انحراف آمده است. از منظر قانون، به فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است.



دور کیم جامعه شناس فرانسوی در مورد تعریف جرم بیان میدارد: «جرم به اعمالی گفته می‌شود که حالات کاملاً آشکار وجدان جمعی جامعه را جریحه‌دار می‌کند.» (گسن، ۱۳۷۹، ش ۲۹ و ۳۰ ص ۶۳)

واژه‌زدایی به معنای پاک کردن و از بین بردن آمده است. در تعریف جرم‌زدایی بیان شده است: جرم‌زدایی، شامل فرایندهایی است که از طریق آنها، "صلاحیت" نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا به عنوان واکنش نسبت به برخی از رفتارها، یعنی برای رفتارهای مجرمانه خاصی، سلب می‌شود. این عمل ممکن است به وسیله قانون‌گذاری یا با روشی که به موجب آن قوه قضاییه قانون را تفسیر میکند، انجام گیرد. جرم‌زدایی، یعنی زدودن و از بین بردن وصف مجرمانه، از فعل یا ترک فعلی که دارای وصف مجرمانه بوده است، با توجه به ضرورت‌های جامعه در برخی از مقاطع و در شرایط خاص، وصف مجرمانه از عملکرد افراد، زایل می‌گردد، به عنوان مثال، اگر کشوری در وضعیت نامطلوب اقتصادی قرار گیرد، مجازات‌های مالی و شدت جرایم و مجازات‌ها را دنبال نموده تا با معضل ایجاد شده مقابله نماید، سیاست جنایی کشورها، امروزه به طرف کاهش قوانین کیفری و جرم‌زدایی از اعمالی است؛ که ضرری کمتری را به دنبال دارد. و از طرفی جرم‌انگاری وسیع و گسترده به صورت مقطعی و موقت، ممکن است اثر موقت داشته باشد.

مفهوم و واژه جرم‌زدایی پیشینه‌ی طولانی ندارد، با وجود این در تاریخ حقوق جزا، فرایندهای جرم‌زدایی، در زمان‌های مختلف وجود داشته است؛ هر چند به شکل برنامه نبوده است. زیرا میزان رفتارهای انسانی مجازات شدنی، نه دارای ثبات بوده و نه افزایش و کاهش بی‌وقفه داشته است. (گروهی از نویسندگان شورای اروپا: ۱۳۸۶، ۶۱)

در عصر حاضر مسأله جرم‌زدایی از آغاز سال‌های ۱۹۶۰ میلادی به صورت بحث روز درآمده، این مسأله ابتدا با هدف تورم‌زدایی کیفری مطرح شده است. (وایت، هینس: ۱۳۸۱، ۳۲۰) جرم‌زدایی نقش اساسی در کاهش پرونده‌ها دارد، در غرب، از قرن شانزده توسط دانشمندانی مانند سزار بکاریا، اندیشه جرم‌زدایی، از قوانین کیفری ایجاد شد و در اوایل قرن بیست، این تفکر نظام‌مند گردیده و در کشور انگلستان، مورد توجه قرار گرفت. (همان)

لازم است برای کاهش پرونده‌های (دوسیه‌ها) جنایی، به سمت جرم‌زدایی حرکت نمود، تا از تورم قوانین کیفری کاسته شود.

سیاست جنایی برای اولین بار توسط حقوق دان آلمانی فویر باخ در کتاب حقوق کیفری استفاده شده است. و در مفهوم ابتدایی و مضیق به مجموعه شیوه‌های سرکوب گرانه‌ای که





دولت با توسل به آنها علیه جرم، واکنش نشان می‌دهد به کار گرفته شده. (کریستن لازرژ، ۱۳۷۵: ۹) سیاست جنایی در مفهوم علمی و موسع، به کلیه تدابیر کنشی و واکنشی پیشگیرنده و مبارزه گر، در قبال پدیده جنایی و مسایل پیرامونی آن اطلاق میشود، که از سوی دولت و جامعه مدنی در بستری تعاملی و مشارکتی به اجرا گذاشته می‌شود. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ۷۸)

سیاست جنایی، با ترکیب دو واژه سیاست و جنایی یک ترکیب اضافی برای تعریف است. مجموعه اصولی است که هیأت اجتماع بر مبنای آن پاسخ دهی به پدیده مجرمانه را سامان دهی می‌کند (دلماش مارتی، ۱۳۹۳، ص ۶۹)

سیاست جنایی از نظر لغوی به معنای تدبیر و تدبیر و چاره‌اندیشی آمده است برای پدیده مجرمانه که در قلمرو سیاست جنایی، شامل کج‌روی و بزهکاری میشود. سیاست جنایی، در واقع اعمال پاسخ‌های گوناگون در قالب آیین‌ها و شیوه‌های متنوع دادرسی معمول، در شعب مختلف نظام حقوقی، و نیز جامعه مدنی است. (حسینی، ۱۳۷۶: ص ۱۵۳) سیاست جنایی کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌گردد. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۰، ۲۱) سیاست جنایی به عنوان مجموعه اصول و روش‌هایی که از طریق به کار گرفتن ابزارهای مناسب برای مقابله و مبارزه با پدیده مجرمانه، از طریق قوهی مجریه برای سامان دهی نظم عمومی جامعه، در مقابل نقض کنندگان آن کاربرد دارد.

الف) جرم‌زدایی و سیاست جنایی اسلام

در اسلام، رفتارها به دو نحو جرم شناخته می‌شوند در برخی موارد فعل مجرمانه و مجازات آن در منابع شرعی بیان شده است مانند سرقت و... در برخی موارد دیگر، تعیین جرم بودن یک رفتار و میزان مجازات آن، به حاکم اسلامی واگذار شده است، که با رعایت قواعد حکم دین و در محدوده اصول آن، به جرم انگاری بپردازد. جرایم نوع اول ثابت و مستمر بوده و با تغییر و تحول اجتماعی و روند نظام‌های سیاسی تغییر نکرده و مشمول جرم‌زدایی قرار نخواهد گرفت، ولی جرایم نوع دوم که شامل جرایم غیر از حدود و قصاص می‌باشد، در صورت تحقق عوامل جرم‌زدایی، رفع خصوصیت مجرمانه، امری ممکن است و اسلام با این پدیده، مخالفی ندارد.

اسلام به عنوان دین جامع و کامل در قبال جرم و انحراف، متناسب با شرایط زمانی و مکانی سیاست جنایی مشخصی دارد، تا برای تأمین نظم و امنیت جامعه، واکنشهای سرکوبگری را داشته باشد؛ یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی در دفاع از جامعه، جرم‌زدایی میباشد؛

اما اعمال و رفتاری که موجب فساد نگردد و از طرفی وسعت و دامنه شمول آن عمل گسترده و وسیع نیست، جرم انگاری آن، نه تنها ضرورت ندارد بلکه باید نسبت به آن رفتار جرم‌زدایی شود. و در بسیاری موارد، شخصی که فعل حرامی را مرتکب شده است نباید عمل حرام خود را اظهار و برای دیگران بازگو نماید، که نفس بازگو کردن فعل حرام است.

جرم‌انگاری کار آمد و مؤثر یکی از دغدغه‌های جدی نظام قانونگذاری در هر کشوری است. در صورتی که جرم‌انگاری به صورت غیر کارشناسی و بدون رعایت اصول و قواعد صورت بگیرد در عمل شاهد خواهیم بود که یا قوانین ناعادلانه فرصت‌ها را برای افراد جامعه محدود می‌کنند و یا قوانین با وجود آنکه پشتوانه کیفری دارند اعتباری نزد ملت ندارند و توسط افراد آنها اجرا نمی‌شوند و بدین ترتیب علاوه بر اینکه بر شمار قوانین متروک افزوده می‌شود، اقتدار و صلابت حقوق کیفری درهم می‌شکند. (حاجی ده‌آبادی، سلیمی، ۱۳۹۳: ۵۲)

ب) مبانی جرم‌زدایی

مشروعیت و موجه‌سازی جرم‌زدایی نیاز مبرم برای کارکردهای مختلف است که باید بدان پرداخت و مبانی آن را بیان کرد.

۱. دفاع از کرامت انسانی

انسان در آموزه‌های دینی جایگاهی والایی دارد، به صراحت آیات قرآن کریم ارزش بشر ذاتی و انسان، دارای کرامت است؛ خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَحْشِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۱۷) و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم. انسان در خلقت دارای کرامت است. و این ویژگی سبب تمایز انسان از سایر موجودات، می‌گردد. و تاج افتخاری است که خداوند عنایت فرموده است، این کرامت به اندازه‌ی اعتبار برخوردار است که از طرف خداوند به همه ملائکه دستور داده شد که در برابر این موجود کریم، سر تعظیم فرود آورده و سجده نمایند و فرشته‌ای که از این امر خودداری نمود، مورد خشم و غضب الهی قرار گرفت و از رحمت خداوندی محروم گردید؛ بدون تردید، بشر این ویژگی (کرامت) را همواره با خود همراه داشته و دارد؛ این ویژگی انسانی، از روح الهی نشأت گرفته است. بدیهی است، بی‌حرمتی و پاس نداشتن به این صفت الهی ممنوع و سرنوشتی بهتر از ابلیس را نخواهد داشت. ارزش و کرامت انسان و هدفی که خداوند انسان را برای آن خلق کرده است از جایگاه والایی برخوردار است. با توجه به این ویژگی ذاتی انسان، دولت‌ها



محدودیت دارد و ضمانت اجراهای کیفری مورد نقد قرار می‌گیرد. مگر در موارد خاص که ضرورت آن غیر قابل انکار است.

طبق دیدگاه خدا باوران، کرامت انسانی موهبتی خدادادی است؛ کل عالم و آنچه در آن است، مخلوق خدا است و از یک اراده مطلق و برتر ناشی شده است. (رحمانی، مؤذنی، ۱۳۹۵: ۲۸)

انسان موجودی است که از روح خداوند به او دمیده شده است. و لذا از سایر موجودات برتر می‌باشد، سایر موجودات برای بشر و انسان آفریده شده تا بتواند از آن استفاده نماید برتری انسان نسبت به سایر موجودات به گونه‌ای هست که به ملایک دستور تعظیم داده شده است. در یک تقسیم بندی، کرامت به ذاتی و کرامت ارزشی یا اکتسابی تقسیم شده است. کرامت ذاتی که از فطرت انسان سرچشمه گرفته است از راه عقل کشف می‌گردد، مانند نعمت حیات و زندگی، و با لطف خداوند، انسان موجودی است که استعداد ترقی و پیشرفت را دارا می‌باشد. کرامت ذاتی انسان مورد پذیرش همه ادیان الهی و شمار قابل توجهی از مکاتب حقوقی و اخلاقی است. اما در دوران معاصر برخی از مکاتب بشری از جمله نظام حقوق بین‌الملل بشر از دیدگاه غرب، کرامت انسانی را منحصر به همین کرامت ذاتی کرده اند و از کرامت ارزشی سخن به میان نمی‌آورند. در حالی که قائلین به کرامت ارزشی انسان، معتقدند مرتبه این نوع کرامت بالاتر است و حرکت کمالی انسان‌ها در این مسیر محقق خواهد شد. (همان: ۲۲۵).

کرامت اکتسابی مربوط به اموری است که انسان با تلاش و کوشش خویش به دست می‌آورد. (جعفری، ۲۷۹) کرامت اکتسابی که با تلاش و سعی افراد بدست می‌آید، و عده‌ای در سایه پاکی، تقوای الهی و عمل صالح به کمالات بزرگ انسانی نایل می‌گردند و در نتیجه، اجر الهی را کسب می‌نمایند؛ اما گروهی هم با پشت کردن به ارزش‌های والای انسانی عمل ظالمانه را در پیش می‌گیرند و مصداق: (اولیک کالانعام بل هم اضل) قرار می‌گیرند و در قهقرا سقوط می‌کنند.

از آیات و احادیث معتبر استنباط می‌گردد که کرامت انسان، ذاتی بوده و در حوزه‌ی جرم انگاری، نباید این صفت ذاتی الهی (کرامت) خدشه دار گردد، و همچنان در روایات معتبر اسلامی این صفت (کرامت) مورد توجه قرار گرفته است امیر مومنان^(ع) درباره پیامبر اکرم^(ص) میفرماید: "جَعَلَهُ اللَّهُ بِالْغَا لِرِسَالَتِهِ وَ كَرَامَةً لَامَتِهِ وَ رَبِيعًا لَاهِلِ زَمَانِهِ وَ رَفْعَةً لِعَوَانِهِ وَ شَرَفًا لَانصَارِهِ؛ خداوند پیامبر^(ص) را ابلاغ کننده رسالت، مایه کرامت امت، چونان باران بهاری برای

تشنگان حقیقت در آن زمان، مایه سربلندی مسلمانان و عزت و شرافت یارانش قرارداد (سیدرضی، ۱۴۱۴ق:خ ۱۸۹) همچنین امیرمومنان^(ع) درباره اهلبیت پیامبر^(ص) می‌فرمایند: «فیهم کرائم القرآن وَ هُمْ کُنُوزُ الرَّحْمَنِ إِنْ تَطَقُوا صَدَقُوا وَ إِنْ صَمَتُوا لَمْ یَسْبِقُوا»؛ همه حقایق کریمه قرآن در اهل بیت^(ع) متجلی است و در اثر علم سرشار، دارای تقوای وافرند و مظهر کریم اند. (سیدرضی، ۱۴۱۴ق:خ ۱۵۴)

جانشینی و خلافت انسان در روی زمین ریشه در کرامت ذاتی دارد و یکی از مظاهر کرامت انسان، مقام جانشینی نسبت به ذات اقدس الهی است که در قرآن به عنوان خلیفه الله یاد شده است (رحمانی، زروندی، ۱۳۸۹، ۴۲)

با توجه به آیات و روایات، انسان دارای مقام بلند و عنوان جانشینی خداوند را در روی زمین دارد. و در مقام جرم‌انگاری، قانونگذار با توجه به مقام و جایگاه انسان، و با در نظر داشت کرامت انسانی و ارزش انسان، رفتار و اعمال او را جرم‌انگاری نماید. و در جرم‌انگاری مقام جانشینی و خلیفه الهی را در نظر بگیرد.

۲. همسو با مقتضیات زمان و مکان و تغییرات جوامع

یکی از اصول که در جرم‌زدایی مورد توجه قرار گرفته است، هماهنگ و همسو بودن با جامعه بین الملل، در راستای به حداقل رساندن، دخالت در حوزه آزادی‌های فردی است، تا کشورها بتوانند ضمن رعایت موازین بین‌المللی در عرصه جهانی خود را نشان داده و در میان کشورها به رسمیت شناخته شود، امروزه در حوزه حقوق بشری و رعایت آزادی‌های فردی، کشورها تلاش دارند تا ضمن رعایت قواعد و مقررات، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی را به رسمیت بشناسند. (دهقان، ۱۳۷۷: ص ۷۴)

جوامع انسانی با پیشرفت‌های چشمگیری که در مراحل مختلف علمی فنی و... در حوزه‌های مختلف، دارند، مقتضیات هر عصر و زمان بر مسایل مختلف قابل انکار نیست؛ احکام اسلامی نیز با توجه به تغییرات جهانی و رشد علم و تکنالوژی و با استفاده از احکام حکومتی تغییراتی داشته است، مانند احکامی که در نظام جمهوری اسلامی در مورد تساوی دیه‌ای اقلیت‌های رسمی دینی با مسلمانان، به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. (تبصره ماده ۲۹۷، ۱۳۸۲/۱۰/۶)

احکام اسلامی، یا ثابت است یا احکام متغیر؛ در احکام ثابت، تفاوتی میان معاملات و عبادات نیست، در این مورد جرم‌زدایی امکان‌پذیر نیست. و مجازات ثابت بوده بلکه در هر





زمان و مکان باید اجرا گردد در مورد احکام، میان فقهای اسلامی نظرات مختلفی ارایه شده است:

الف) عده‌ای از فقها بر این عقیده‌اند که احکام اسلامی ثابت و غیر قابل تغییر است و در این نوع احکام، جرم‌زدایی نیز امکان‌پذیر نیست.

ب) عده‌ای از فقها شرایط زمان و مکان را در احکام اسلامی مؤثر دانسته و معتقدند، بر اساس مصالح و مفاسد، احکام پایه‌گذاری شده است و هدف از اجرای احکام، دستیابی و رسیدن به مصالح است. حاکم اسلامی در سیاست‌گذاری جنایی، سیاست‌های مناسب را در اجرای احکام فراهم نماید. حتی در حقوق الناس مانند قصاص، حاکم اسلامی می‌تواند از اجرای قصاص جلوگیری کند. (دهقان، ۱۳۷۷: ص ۷۵)

۱. جایی که اجرای قصاص در تراحم با مفسده‌ای مهم‌تری باشد، مثلاً اجرا نمودن قصاص سبب فتنه و جنگ گردد و قاتل تبعه آن کشور باشد.

۲. حاکم اسلامی تشخیص دهد که مصلحتی در بخشیدن بزهکار است و قصاص تبدیل به دیه گردد. با توجه به احکام و شرایط موجود و تغییرات موضوع، فقهای معاصر (اعم از اهل سنت و تشیع) گرایش دارند به نقش زمان و مکان در استنباط و در روایات اسلامی نیز زمان و مکان در دگرگونی احکام اسلامی اثر گذار است، زیرا تغییرات، یا به سبب تغییر موضوعات است، و یا به سبب تبدیل ملاک‌های احکام است؛ و یا دلایلی دیگری سبب تغییر حکم می‌گردد، مانند روایتی که از حضرت علی^(ع) در توضیح کلام رسول خدا^(ص): «غیروا الشیب ولا تشبهوا بالیهود؛ ظواهر و آثار پیری را تغییر دهید و خود را شبیه یهود نسازید، فرمود: إنا قال(ص): ذلک و الدین قلّ، فأما الآن وقد اتسع نطاقه و ضرب بجرانه فامرؤء و ما اختار؛ «(رسول خدا^(ص)) این مطلب را هنگامی فرمودند که اهل دین اندک بودند؛ اما اینک که دین گسترش پیدا کرده و استقرار یافته است، هر کس به اختیار خود می‌باشد.» «فقیهان مذاهب مختلف اسلامی معتقدند احکام که با تغییر زمان، مکان و اخلاقیات مردم تغییر می‌کنند.» (سبحانی، ۱۳۸۴، ۴۳)

فقهای مذاهب اسلامی همزمان با تغییر زمان و مکان احکام اسلامی را نیز تغییر داده‌اند به عنوان مثال در صدر اسلام افرادی بودند که خون را می‌خوردند و لذا خرید و فروش آن حرام بود اما امروزه چون موضوع عوض شده خرید و فروش آن برای نجات جان انسان است و لذا معامله آن نیز حرمت ندارد. و این مسأله از مصادیق تغییر زمان و مکان در حکم است.

۳. مفهوم تأثیر زمان و مکان

مراد از تأثیر زمان و مکان این است که نیازهای واقعی انسان و انواع تحولات واقعی، شناسایی گردد و قوانین هماهنگ با آن، از منابع اسلامی توسط متخصصان امور، استخراج و به جامعه عرضه گردد. (دهقان، ۱۳۷۷، ۴۰)

البته باید گفت که زمان و مکان نه تنها بر مصادیق و موضوعات اثر گذار است بلکه در نفس حکم شرعی نیز اثر دارد، ولی اینکه آیا تمام احکام متأثر از زمان و مکان است یا برخی آن، در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد، اما این نکته را باید تذکر داد که احکام و قوانین اسلامی در چارچوب معینی قابلیت انعطاف را دارد و با توجه به شرایط، جای خود را به حکم دیگر یا نقیض خود واگذار می‌کند. به صورت کلی احکام اقسامی دارد مانند:

الف) احکام امضایی

احکام امضایی احکامی هستند که قبل از اسلام سابقه داشته و عرف و عقلا آن را معتبر دانسته یا وضع کرده و بدان عمل نموده اند و عیناً یا با اصلاحاتی از سوی شارع پذیرفته شده است. اهمیت تفاوت این دو احکام در آن است که اگر حکمی امضایی باشد مطالعه چگونگی اعتقاد مردم و نحوه اجرای حکم در زمان امضای آن در شناخت آن نقش مهمی دارد. (مشکینی، ۱۳۷۶: ۷۰) احکام امضایی گاهی ریشه در شرایع گذشته دارد و گاهی ناشی از عرف زمان و بنای عقلا هست. شارع حکمی خاص را نداشته و در واقع این امور را به عقل انسان واگذار کرده است. (نخعی پور، سعیدی، ۱۳۹۶: ص ۱۴۰)

در احکام اسلامی اگر احکام امضایی باشد، شریعت اسلامی آن را تأیید و امضا کرده است و به آن عمل می‌کند و به مرور زمان و با فرهنگ‌سازی، جامعه را سمت و سو می‌دهد تا آن حکم را لغو نماید، مانند برده‌داری که در ابتدا اسلام به عنوان یک دین نتوانست با این پدیده مبارزه نماید و به مرور با این مسأله برخورد نموده و امروزه چنین مسأله‌ی وجود ندارد.

ب) احکام تأسیسی

احکام تأسیسی احکامی است که شارع مقدس بدون هیچ سابقه‌ای نزد عرف و عقلا بر پیامبر (ص) نازل شده اند؛ مانند بسیاری از احکام عبادی همچون: احکام نماز، غسل، وضو و تیمم. در قرآن کریم مواردی زیادی از احکام تأسیسی مانند منع ازدواج هم‌زمان با دو خواهر وجود دارد. (نساء، ۲۳)

شناخت احکام امضایی و تأسیسی، در فهم و شناخت آیات و روایات نقشی بسزایی دارد، و شناخت رفتارها و سنت‌های ناپسند که در زمان جاهلیت وجود داشته است و شناخت روش‌های مقابله اسلام با عادت‌های نادرست در فهم آیات مربوط اثر گذار است.





جرم انگاری و اعمال ضمانت اجرای کیفری یک استثناء بوده و اصل در قواعد حاکم بر زندگی اجتماعی، غیر کیفری بودن است. و از مجموع قوانین حاکم بر زندگی اجتماعی، بخش زیادی از آن دارای ضمانت اجرای غیر کیفری است که تحت عنوان اصل حداقلی بودن حقوق جزا یا اصل صرفه جویی کیفری به عنوان آخرین وسیله یا اصل استثنایی بودن جرم انگاری گفته میشود؛ قاعده- ای که به ظهور سیاست کیفری تقلیل گرا انجامیده است. (غلامی، ۱۳۹۲، ۱۸) اما به هر ترتیب می توان گفت خلق اصل حداقلی بودن حقوق کیفری در گرو شناسایی حق بر مجازات نشدن برای انسان در کنار سایر حقوق وی بوده است. (غلامی، ۱۳۹۵: ۱۷۳)

یکی از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات، مانند حیوانات رفتار اخلاقی است. زیرا انسان، آزادانه با کمال آزادی و اختیار، نوع رفتار خود را انتخاب و منش خود را مشخص می نماید و این رفتار که به لحاظ مادی و ظاهری، اخلاقی است باید منبعث از اراده نیک و نیتی خیر باشد، تا آن را رفتاری اخلاقی نام نهاده و تحسین نماییم. این تعبیر مورد اجماع همه فلاسفه اخلاق بوده و از جمله «کانت» بر آن تأکید فراوان دارد. وی در کتاب مابعد الطبیعه اخلاق میگوید: که هیچ چیزی بدون قید و شرط، خیر نیست مگر اراده نیک و نیت خیر و از همین رو از اراده نیک به عنوان «خیر مطلق» یاد میکند. (محمد رضایی، ۱۳۷۹: ۵۵) اراده نیک داشتن، از ویژگی های افراد انسان است که به حکم انسان بودن این ویژگی ها را دارا می باشد. و این مسأله سبب تمایز انسان از سایر موجودات مانند حیوانات است.

۴. تورم و افزایش قوانین کیفری

افزایش فزاینده عنوان های مجرمانه مورد انتقاد دانشمندان از گذشته های دور قرار گرفته و برای نخستین بار در سال ۱۷۴۸ در کتاب «روح القوانين» مورد اشاره واقع گردیده است. «منتسکیو» تورم کیفری را موجب بی اعتمادی مردم نسبت به هیأت حاکمه می داند. (منتسکیو، ۱۳۱۳: ۲۰۰) و همچنان بکاریا با الهام از او بر لزوم «کاهش عناوین مجرمانه» به عنوان دومین اصل حاکم بر حقوق کیفری، اشاره می کند. اگر قوانین کیفری متعدد باشد، شهروندان نمی توانند از همه آنها تمکین کنند و عدم تمکین قوانین کیفری چون با ضمانت های اجراهای شدید همراست، سبب عکس العمل تند جامعه گردیده و در صورت برخورد شدید بنیان حکومت متزلزل خواهد گردید. به عقیده «بکاریا» آنچه جامعه را از خطر جرایم حفظ می کند، حتمی بودن کیفرهاست نه تصویب مداوم و پی در پی قوانین کیفری. استفاده از ضمانت اجرای کیفری در مبارزه با جرایم و اصلاح بزهکار باید به عنوان راهکاری باشد.

۵. دخالت حداقلی در حوزه اخلاق در سایه حق بر مجازات نشدن

در حوزه اخلاق دخالت حاکمان، به صورت حد اقلی باید انجام گردد و در صورت مجازات کردن هم باید در حد ممکن نباید مجازات‌ها، تزیلی و تحقیری باشد، باید انسانی و از شدت مجازات‌ها نیز کاسته شود. (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ص ۳۲۹)

در اسناد بین‌المللی مانند ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیان شده است: هیچ کس نباید مورد شکنجه یا بی‌رحمی و آزار، یا تحت مجازات غیر انسانی و یا رفتاری قرار گیرد که منجر به تنزل مقام انسانی وی گردد. و در ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه مجمع عمومی مصوب ۹ دسامبر ۱۹۷۵ بر حمایت از انسان‌های که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه، غیر انسانی و رفتارهایی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها می‌شود، شکنجه را منع نموده است.

در قانونگذاری نیز هدف حمایت از ارزش‌های اخلاقی است؛ با توجه به مکاتب و نظام‌های حقوقی گوناگون، نظام حقوقی غرب که از اندیشه‌های لیبرالیستی متأثر می‌باشد، حمایت حداقلی از اخلاقیات را دارد. اما در نظام حقوق کیفری اسلامی در حوزه اخلاق توجه لازم و کافی صورت گرفته و نهادهای کیفری، به هدف تحقق عدالت پایه‌ریزی گردیده که این خود یک مفهوم اخلاقی است.

۶. برسمیت شناختن حریم خصوصی

جرم‌انگاری رفتار اشخاص، در واقع زیر نظر گرفتن اعمال است که انسان آن را مرتکب شده است. از مبانی جرم‌زدایی، عدم ورود به حریم خصوصی است. در آموزه‌های دینی و همچنین در قوانین و اسناد بین‌الملل این مسأله مورد توجه قرار گرفته است، زیرا شکستن حریم خصوصی، در حقیقت ضربه زدن به کرامت انسانی است؛ نقض حریم خصوصی، در قرآن کریم مورد نهی قرار گرفته است. و در قرآن کریم فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است. و جاسوسی نکنید و برخی از شما غیبت بعضی نکنند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و مهربان است.» (حجرات، ۴۹) و همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: من مأمور نیستم از نهان و پنهان مردم جستجو کنم. (کنز العمال، ج ۳، ش ۵۳۰۵۱) و نیز امام صادق (ع) فرمود: از مرام و باورهای مردم جستجو مکن تا تنها و بی همراه بمانی. (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۳)

ج) ضرورت جرم‌زدایی در برخی از مواد کد جزا



مواردی زیادی در کد جزا، جرم‌انگاری شده است، با توجه به مطالبی که بیان شد؛ جرم انگاری این موارد نه تنها ضرورت ندارد بلکه سبب تورم قوانین و بی توجهی افراد می‌گردد. از باب نمونه مواردی که لازم است جرم‌زدایی گردد عبارتند از:

۱. توريد محصولات نباتی بدون اجازه نامه

ماده ۸۲۵ کد جزا: «(۱) شخصی که بدون اخذ اجازه نامه نباتات، محصول نباتی و سایر اقلام تنظیم شده مندرج قانون حفاظت نباتات و قرنطین را وارد کند به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.» قانونگذار شخصی را که بدون اجازه مقامات دولت، محصول نباتی یا سایر اقلام که در جهت حفظ قانون نباتات در نظر گرفته شده است را وارد نماید به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

۲. تولید یا توريد مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت

ماده ۸۱۱ کد جزا مقرر می‌دارد: «شخصی که مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت را بدون در نظر داشت معیارهای ملی استاندارد، تولید یا توريد نماید، علاوه بر مصادره مواد نفتی بی کیفیت به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.»

در این دو ماده و سایر مواد قانونگذار تولید و یا وارد کردن مواد نفتی یا گاز مایع بدون کیفیت را جرم دانسته و مجازات حبس قصیر (۳-۱) سه ماه تا یکسال در نظر گرفته است.

۳. چیدن پسته و جلغوزه قبل از موعد مقرر

ماده ۸۲۵: کد جزا: «شخصی که قبل از اعلان وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، پسته یا جلغوزه را قبل از موعد معین (شکست و شول) بچیند، علاوه بر استرداد حاصلات جمع‌آوری شده، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.»

قانونگذار برای متخلف، مجازات حبس قصیر را در نظر گرفته است. در حالی که با این نوع جرم‌انگاری، زندان‌های کشور مملو از جمعیت زندانی می‌گردد، که هم برای حکومت هزینه‌های جانبی را بدنبال دارد و هم برای خانواده‌ها مشکلاتی را به بار آورده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای فرزندان فرد زندانی ایجاد می‌کند.

می‌توان برای رفع تورم قوانین کیفری در بسیاری از موارد از جمله این چند مورد از باب نمونه را جرم‌زدایی نمود، زیرا جرم انگاری بیشتر به آزادی‌های مردم لطمه می‌زند و از طرفی تکالیف نهادهای مختلفی مانند دادسراها، دادگاهها، واداره زندان و... را بیشتر می‌نماید. و از طرفی دخالت‌های کیفری حکومت، دستگاه قضایی را از پرداختن به اهداف و کارکردهای اصلی‌شان که در قانون اساسی بیان شده است باز می‌دارد.



بنا براین برای جلوگیری از تورم قوانین کیفری لازم است، مجموعه قوانین کیفری افغانستان جرم انگاری را به حد اقل رسانده و در بسیاری از ماده‌های کد جزا جرم‌زدایی شود. کد جزا به عنوان مجموعه قوانین جزایی جرم انگاری را به صورت گسترده و وسیع در نظر گرفته است، که این مسأله ضمن تورم قوانین کیفری، باعث دخالت‌های حد اکثر دستگاه عدلی و قضایی می‌گردد.

هم‌چنان افزایش عناوین کیفری، عکس العمل افراد جامعه را به صورت عمل بر خلاف این مقررات (جرم)، به عنوان انتقام در برابر مسئولین جامعه به دلیل تحدید آزادی آنان در پی دارد. درست به همین دلیل است که به عقیده برخی، به کارگیری بیش از اندازه ضمانت اجراهای کیفری، در حد بیشتری خشم و مبارزه افراد نسبت به اجرای قانون را بر می‌انگیزاند. (شرمن، ۱۳۷۴، ص ۷۵)

طبیعی است با جرم‌انگاری بی حد و حصر، جمعیت زندان گسترش یافته، از طرفی آفات زندان را نمی‌توان نسبت به زندانیان و خانواده‌های آنان، انکار کرد اما با جرم‌زدایی، زندان زدایی نیز صورت می‌گیرد و از آفت‌های احتمالی که زندان دارد کاسته می‌شود.

جمع‌بندی

با توجه به مبانی جرم‌زدایی و ضرورت کاهش جرم، حفظ کرامت ذاتی انسان، و حرمت حریم خصوصی، در سیاست جنایی اسلام، در حوزه تعزیرات با وجود مصالح و مفاسد، حاکم اسلامی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال، می‌تواند جرم انگاری را کاهش داده و یا از رفتاری خاص جرم‌زدایی نماید.

در سیاست جنایی کشورها، و سیاست جنایی افغانستان، جرم‌زدایی می‌تواند تورم قوانین کیفری را کاهش دهد از طرفی هزینه‌های دولت و درگیر بودن نهادهای دادستانی و قضایی کاهش یافته و زمینه‌ی مداخله به حداقل می‌رسد. مصادیقی وجود دارد که لازم نیست جرم انگاری گردد، در قوانین کیفری افغانستان جرم انگاری وسیع صورت گرفته در حالی که با تدابیری میتوان جرم انگاری را کاهش داده و جمعیت زندان‌ها را به حد اقل رساند. و از آسیب‌های زندان، افراد را مصون نگهداشت. خصوصاً در بیست سال گذشته و تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های غربی قوانینی به تصویب رسیده است که آن را حجیم و گسترده نموده است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآنکریم
۲. آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، بی تا،
۳. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹
۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر، گرد آورنده هوشنگ ناصر زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ ق.
۶. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی (مفاهیم مدل‌ها) مجله کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۶، شماره ۱۱.
۷. حاجی ده آبادی، احمد، سلیمی، احسان، اصول جرم انگاری در فضای سایبر (با رویکرد انتقادی به قانون جرایم رایانه ای) نشریه مجلس و راهبرد، ۱۳۹۳، شماره ۸.
۸. جعفری، محمد تقی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
۹. دهقان، حمید، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام، ۱۳۷۷، شماره ۴۰.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۱۱. رضوی، محمد، (۱۳۸۴) جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح، انتشارات هستی نما،
۱۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶.
۱۳. رحمانی، ابراهیم، مؤذنی، سیامک، جایگاه کرامت انسان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه راهبرد توسعه، ۱۳۹۵ شماه ۴۸.
۱۴. زروندی، رحمانی، محمد، «کرامت انسان در قرآن و روایات» نشریه کوثر معارف، ۱۳۹۹، شماره ۱۳.
۱۵. سبحانی، جعفر، مجله فقه اهلبیت، ۱۳۸۴، شماره ۴۳.
۱۶. سعیدی، محمد علی، نخعی پور، قاسم، تبیین احکام امضایی و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی، نشریه آموزه های فقه مدنی، ۱۳۹۶، شماره ۱۶.
۱۷. شهید اول، الدروس الشرعیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. شرم، لاورونس، "جرم شناسی و جرم انگاری"؛ ترجمه روح الدین کرد علیوند؛ مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳، ۱۳۷۴
۱۹. صادقی، محمد هادی، (۱۳۸۲) جرایم علیه اشخاص، چاپ ششم، میزان، تهران.
۲۰. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن، کتاب الخلاف، دارالکتاب الاسلامیه، (۱۳۹۸ هـ ق)
۲۱. غلامی، حسین، «اصل حد اقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، ش ۲، ۱۳۹۱.
۲۲. قیاسی، جلال الدین، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵.



۲۳. گسن، ریموند، «آیا جرم وجود دارد» ترجمه نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۳۰-۲۹،
۲۴. مارک آنسل، ترجمه دکتر محمد آشوری- دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، دفاع اجتماعی، دانشگاه تهران: ۱۳۷۵، چ سوم،
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰
۲۶. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، بی نا، بی تا،
۲۷. میوه یان، میلاد، جرم زدایی در قوانین جزایی کنونی، قانون یار، ۱۳۹۷
۲۸. مهرا، نسرين، «درآمدی بر جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی» مجله تحقیقات حقوقی، زمستان ۷۶ و تابستان ۷۷، شماره ۲۲-۲۱،
۲۹. می‌ری، دلماس، « نظامهای بزرگ سیاست جنایی» ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳، جلد اول.
۳۰. میل، جان استورات، فایده گرایی، چ ۱، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
۳۱. محمودی، جواد، «قضا زدایی و جرم زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی الهیات و حقوق دانشگاه رضوی، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۳۸۵.
۳۲. نجفی، ابرند آبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری تا عدالت ترمیمی» مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، ویژه حقوق، سال سوم، ۱۳۸۲.
۳۳. وایت، راب و هینس، فیونا، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه میر روح... صدیق بطحایی اصل، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی